

رسالة

زبان‌دار اربعین

شامل:

بیش از ۲۵۰ عبارت مفید و ضروری مخصوص ایام اربعین

عزیزتین

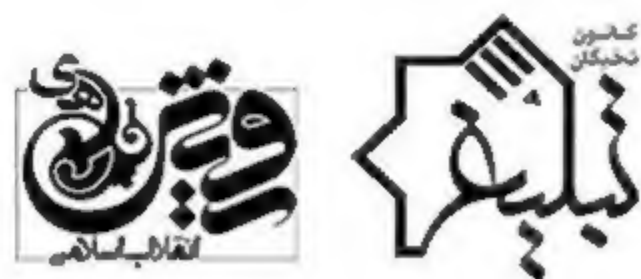
مغناطیس پُر جاذبه‌ی حسینی، اولین دل‌ها را در اربعین به سوی خود
جذب کرد؛ رفتن جابر بن عبدالله و عطیه به زیارت امام حسین در روز
اربعین، سر آغاز حرکت پُر برکتی بود که در طول قرن‌ها تا امروز، پیوسته و
پی‌درپی این حرکت پُر شکوه‌تر، پُر جاذبه‌تر و پُر شورتر شده است و نام و
یاد عاشورا را روز به روز در دنیا زنده‌تر کرده است.

بسم الله الرحمن الرحیم
حضرت آیت الله العظمی

۱۳۸۵/۰۱/۰۱

قال النبی حسین مَن نَّانِ حُسَین

تهیه و تنظیم : کانون نخبگان تبلیغ /
مجتمع آموزشی رویش های انقلاب اسلامی
/ کمیته ی فرهنگی و آموزشی ستاد اربعین
به کوشش : طه قدوسی
طرح جلد و صفحه آرایي : محسن بهرامی
ویراستار : سید علی حسینی، ابوالفضل حاج عبدالصمد
مترجم : سید مقدم حیدری



فهرست مطالب :

مقدمه

احوال پرسی

ارتباطات الکترونیکی و تبدیل ارز

پزشکی و دارویی

انتقال معارف انقلابی

اسکان

در مرز

جملات محبت آمیز و تعارفی

ضرب المثل های عربی

اعداد و ایام هفته

مقدمه

زیارت اربعین حسینی که در روایت نورانی امام حسن عسکری علیه السلام یکی از نشانه های مومن قلمداد شده است، چند سالیست که به فضل الهی در بین عموم شیعیان و محبین حضرت سیدالشهداء علیه السلام فراگیر و با آیین با شکوه پیاده روی از مکان های مختلف به سمت کربلای معلا همراه شده است.

هر ساله شاهد جمعیت میلیونی زوار حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام هستیم که توسط ملت با کرامت عراق مورد پذیرایی و استقبال قرار می گیرند و حجم بالای جمعیت و مهمان نوازی مخلصانه و کریمانه ملت عراق که به صورت مردمی و بدون کوچکترین حادثه در نهایت هماهنگی صورت می پذیرد، انگشت حیرت هر بیننده ای را به دندان می گیرد.

فرصت پیاده روی اربعین و حضور جمعیت میلیونی عاشقان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در موکب های حسینی فرصت مناسبی است که در صورت استفاده مناسب زمینه ارتباط حداکثری امت اسلامی و تقویت و استحکام روابط را محقق می کند.

بر سر راه این مهم قفل بزرگ اختلاف زبانی وجود دارد که مانع ارتباط بیشتر و صمیمانه تر ملت ها و ملت عراق می گردد.

بارها شاهد آن بوده ایم که جماعتی از مردم ایران در خانه ای و یا موکبی مورد پذیرایی قرار گرفته اند، ولی توان تشکر و قدردانی از زحمات میزبان و ارتباط برقرار کردن با او را که منجر به رفاقت و صمیمیت دائمی بین آنها باشد را نداشته اند تا شاید روزی میزبان آنها در یکی از شهرهای ایران اسلامی باشند.

مجموعه ای که پیش روی شماست شامل بیش از ۲۵۰ عبارت مفید و ضروری مخصوص ایام اربعین حسینی است که توسط دانش آموزان مجتمع آموزشی رویش های انقلاب اسلامی برای زائر اربعین جمع آوری و ترجمه گردیده است.

امتیاز ویژه آن این است که عبارات مورد نیاز از زبان فارسی هم به زبان عربی فصیح و هم لهجه محلی عراقی ترجمه گردیده است.

ویژگی دیگر این کتاب بخش جملات تعارفی و محبت آمیز است.

مردمان عراق، مردمانی خونگرم و تشنه محبت هستند و در قبال این نوع جملات واکنش های بسیار خوب و مهربانانه ای از خود نشان می دهند.

پیشنهاد های مشفقانه شما عزیزان در جهت هر چه بهتر شدن این جزوه برای سال های آینده را پذیرا هستیم.

با تشکر از همه اساتید، که مشوق انجام این کار بودند.

احوال پر سی

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
سلام صبح به خیر / شب به خیر	السلام علیکم وصبحکم الله بالخیر / مساکم الله بالخیر	
حالت چه طور است؟	کیف الحال؟	شلون الصّحة؟
خوب هستی ان شاءالله؟	بخیر إن شاء الله؟	إن شاء الله زین؟
ممنون خوبم	شکرا بخیر	شکرا زین
الحمدالله که سلامت هستی	الحمد لله علی سلامتک	
هوا خیلی گرم / سرد است	الجو حار / بارد جداً	الجو هوايه حار / بارد
خسته شدی؟	هل تعبت؟	تعبت؟
بله خیلی / نه اصلاً	نعم تعبت كثيراً / لا أبداً	إی تعبت هوايه / لا أبداً
اسمت چیه؟ (اسم کریمت چیه؟)	ما اسمک؟ ما اسمک الکریم؟	شِسْمَک؟ شِنو اسمکم الکریم؟
از کجا آمده ای؟	من أين أتیت؟	من وین جای؟
اهل کجا هستی؟	من أي بلد أنت؟	إنت من وین؟ من یا بلد؟ من یا مدینه؟
من ایرانی هستم	أنا ایرانی	آنی ایرانی
من اهل شهر قم / تهران ... هستم	أنا من مدینه قم / طهران ...	آنی من مدینه قم / طهران ...
به چه شهرهایی می خواهی بروی؟	إلی أيّ مدن تريد أن تذهب؟	لیا مدّن تريد ثروح؟
من به کربلا میروم (نجف)	أنا ذاهب إلى كربلاء / النجف.	آنی رایح لکربله / للنجف
چند روز است که در راه هستی؟	کم يوم وأنت فی الطريق؟	صار لک کم (چم) يوم بالطریق؟
(چند روزه که این جایی)	کم يوم وأنت هنا؟	صار لک کم يوم هنا (اهنا)
چند سالت است؟	کم عمرک؟	شگّد عُمُرک؟

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
ببخشید من عربی ام زیاد خوب نیست	عفواً أنا لا أجيد العربية	عفواً عربیتی مو زینه / مو جیده
می تونی انگلیسی صحبت کنی؟	هل تستطيع أن تتكلم بالانجليزية؟	تگدر تحچی انگلیزی؟
شما چه کاره هستید؟	ما هو شغلک؟	شنو شغلک؟
دانش آموز / دانشجو / طلبه / کاسب / کارمند / معلم / بازنشسته	طالب / طالب جامعی / طالب فی الحوزة / تاجر / موظف / معلّم / متقاعد	
اوضاع عراق چطور است؟	كيف الأوضاع في العراق؟	شلونها أوضاع العراق؟ شنو أوضاع العراق؟
چه خبر از داعش خبیث؟	ما هي أخبار داعش الخبيثة؟	شاخبار (شخبار) داعش؟
چه استان هایی الان دست داعش هست؟	ما هي المحافظات التي سقطت بيد داعش؟	هسّه یا محافظات بيد داعش؟
سامرا الان امنیت دارد؟	هل سامراء آمنة؟	سامره آمنه الآن؟
چطور می تونم برم سامرا؟	كيف أستطيع الذهاب إلى سامراء؟	شلون اگدر ارواح لسامره؟
تو کربلا / نجف اسکان سراغ دارید؟	هل تعرف عن سكن في كربلاء / النجف؟	تُعرف سکن کربلاء (بکربله) / بالنجف؟
هزینه ات چقدر شده است؟	كم بلغ مصرفك؟	شگد صار مصرفک؟
آیا ازدواج کردی؟	هل أنت متزوج؟	متزوج؟ / إنت متزوج؟
نه مجردم / بله متاهلم	لا أنا أعزب / نعم متزوج	لا ممتزوج / ای متزوج
چند تا بچه داری؟	كم لديك من أطفال؟	شگد عندک...؟
دختر یا پسر؟	ذكور أم إناث؟	ولد لو بنات؟

فارسی

عربی فصیح

عربی عراقی

اسم بچه هات چی هست؟	ما اسم أطفالک؟	شایسمهم (شایسمهم) أطفالک؟
چند سالشون هست؟	کم عمرهم؟	شگد عمرهم؟
مدرسه میروند؟ کلاس چندم اند؟	هل یذهبون إلى المدرسة؟ فی أي سنة دراسية یدرسون؟	یرحون للمدرسة؟ یا سنة یدرسون؟
ابتدایی / راهنمایی / دبیرستان	ابتدائية / متوسطة / ثانوية	
این شماره تلفن من است	هذا رقم هاتفی	هذا (هاذه) رقم موبایلی
این آدرس من در شهر (قم) است	هذا عنوانی فی مدینه قم	هذا عنوانی بقم
اگر ایران اومدی حتما بیا منزل ما	إذا زرت ایران ففضل فی بیتنا أكیدا	إذا جیت لإیران أكید عود تعال لبیتنا
این کارت و شماره تماس من است	هذه بطاقتی ورقم هاتفی	هاذی بطاقتی ورقم الاتصال بیّه
آدرست کجاست؟	أین عنوانک؟	وین عنوانک؟
ممکنه شماره تلفنتون رو داشته باشم؟	هل یمکن أن تعطینی رقم هاتفک؟	ممکن آخذ رقم موبایلک؟
او کیست؟	من هو؟	هذا (هاذه) منو؟
باکی اومدی پیاده روی؟	مع من مشیت الطريق؟	ویا من جیت مشایه.
تنهایی / با خانواده / با دوستان / با یک کاروان زیارتی	وحدک (وحدی) / مع الأسرة (مع العائلة) / مع الأصدقاء (الإخوة) / مع حملة زیارة	... ویا الأسرة / ویا...
این چیه؟	ما هذا؟	هذا شنو؟
بفرمایین (آب / چایی / قهوه)	تفضل ماء / شای / قهوه	مای / چای / گهوه
ماساژ نیاز داری؟ ماساژت بدهم؟	هل أدلک جسمک؟ هل تحتاج إلى تدلیک؟	ترید أدلکک / ترید أمر خلک؟ / تحتاج تدلیک / تمریخ / مساج؟

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
بفرمایین این پول را برای امام حسین نذر کردم	تفضل هذه النقود، فقد نذرتها للإمام الحسين (ع)	تفضل، ناذر هاذي الفلوس للحسين (ع)
آیا کمک احتیاج دارید؟	هل تحتاجون إلى خدمة؟	تحتاجون خدمة؟
موكب سرویس بهداشتی و حمام دارد؟	هل الموكب جاهز بمرافق الصحّة والحمام؟	الموكب بی مرافق (توالیئات) و حمام؟
بفرمایین (برای احترام در سرویس بهداشتی)	تكرم / تكرموا *	
خدا از شما قبول کند	تقبل الله أعمالكم	الله يتقبل منكم

* تفضل برای غذا خوردن و وارد شدن به اتاق و خانه است، برای دستشویی فقط از این فعل استفاده کنید.

ارتباطات الکترونیکی و تبدیل ارز

(تلفن - سیم کارت - کارت شارژ - اینترنت - صرافی)

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
کجا می تونم سیم کارت عراقی بخرم؟	أین تباع شرائح للجوال؟ *	وین یبیعون شرائح؟
سیمکارت عراقی می خواهم	أرید شریحه؟	
میشه برام فعالش کنی؟	هل یمکن أن تفعلها لی؟	ممکن تُفعل لِیاها؟
چقدر شارژ داره؟	کم مبلغ رصيدها؟	شگد بیهه رصید؟
اینترنتش رو چطور فعال کنم؟	کیف أستطیع أن أفعل الانترنت فیها؟	شلون أفعل الانترنت مال الخط؟
کارت شارژ می خواهم	أرید رصیدا.	أرید رصید.
می شود این شارژ را برای من وارد کنید؟	هل یمکن أن تدخل لی رقم الرصيد؟	تَکدّر تدخّل لی الرّصید من فضلك؟
قیمت آن چه قدر است؟	کم سعره؟	شگد سِعره؟
کجا می تونم موبایلم رو شارژ کنم (پریز برق کجاست؟)	أین أستطیع أن أشحن جوالی؟ أین نقطة الكهرباء؟	وین اَکدر أشحن موبایلی؟ وین نقطة الكهرباء؟
شارژر می خواستم	أرید شاحنة.	
آیا این جا اینترنت دارد؟ (من اینترنت نیاز دارم)	هل يوجد هنا خط الإنترنت؟ أنا بحاجة إلى إنترنت	أکو هنا خط أنترنت؟ آنی محتاج أنترنت
کجامیتونم wifi پیدا کنم؟	أین توجد شبكة wifi	وین تحصل شبكة وای فای؟
میتونم باگوشیتون یه تماس بگیرم؟	هل یمکن أن اتصل بجهازک؟	اَکدر أتصل بجهازک؟

* قید عراقی در کشور عراق نیاز نیست، چنان چه شما در ایران هیچ گاه نمی گوید سیم کارت ایرانی می خواهم.

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
من دوستم رو گم کردم شارژم هم تموم شده	أنا قد ضيّعت صديقي وقد انتهی رصیدی	آنی مضیع صدیقی و موبایلی خلصان شحنة / خلصان رصیده
تا کسی های نجف / کربلا کجا می ایستند؟	أین تقف سیّارات کربلاء / النجف؟	وین توگف تکاسی النجف / کربلاء؟
تا کسی می خواستم برای نجف / کربلا ...	أرید سیارة تکسی إلی النجف / کربلاء	
کرایه تا کربلا / نجف ... چه قدر است؟	بکم الأجرة إلی کربلاء / النجف؟	شگد الکروه للنجف / لکربلاء؟
وسیله هایم زیاد است	متاعی کثیر	غراضی هوایه
باید بزارم صندوق عقب	لابد أن أضعها فی الصندوق الخلفی.	لازم أخلیها بالصندوق الورّه.
گران است / تخفیف بده	غال / خفّض	غالی / خفّض
من را سوار کن / او را سوار کن	رگّبنی / رگّبه	
میشه این سی دی / فلش رو بزارید؟	هل یمکن أن تدخل هذا السی دی / الفلش؟	تگدر تحط هذا السی دی / الفلش؟ / تگدر تدگ...
صداش رو زیاد کنید / کم کنید	صعد صوته / أخفض صوته	علّی صوته
خیلی زیباست چه کسی این صوت را خوانده؟	جمیل جدّا. من هو الرادود (مداح) / المُقرئ (قاری قرآن)	هوایه حلّو. منو الّی دَیقرّه
کرایه من چقدر می شود؟	بکم صارت أجرتی؟	شگد صارت گروتی؟

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
من این جا پیاده می شوم	أنا نازل هنا	آنی هُنا نازل / یَمَّک نازل
اسم این خیابان چیست؟	ما اسم هذا الشارع؟	شسمه هذا الشارع؟
خیابان..... از کدام طرف است؟	الشارع من أيّ اتجاه؟	شارع... من یا صوب؟
حرم از کدام طرف است؟	الحضرة من أيّ اتجاه؟	الحضرة من یا صوب؟
پیاده تا حرم چقدر طول می کشد؟	كم يستغرق التمشي إلى الحضرة من وقت؟	المشي إلى الحضرة شگد یاخذ وَقْت؟
دست شویی کجاست (رستوران، سوپر مارکت، بیمارستان، نمازخانه، موکب، هتل)	أين توجد / يوجد مرافق / مطعم، سوپر مارکت، مستشفى، مصلى، موکب، فندق	وین أكو مرافق / مطعم، سوپر مارکت، مستشفى، مصلى، موکب، فندق

پزشکی و دارویی

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
(داروخانه، مطب دکتر، بیمارستان) کجاست؟	أين توجد صيدليّة، عيادة، مستشفى؟	وين أكو صيدليّة، عيادة، مستشفى؟
آیا اینجا دکتر هست؟	هل يوجد طبيب هنا؟	يُخَصِّل / أكو طبيب هنا؟
پایم تاول زده است	ظهرت بثور في رجلى.	رجلى مَفَرِغِسَة / رجلى مَبْطَبُطَة
فکر کنم مسموم شدم	أظن أنى قد تسممت.	أتصوّر متسمّم؟
من سرم / گلویم / شکمم درد می کند	أشعر بوجع فى رأسى / بلاعیمی / بطنى	راسى / بلاعیمی / بطنى يوجعنى / اتوجعنى
او / من بیماری قلبی دارم	أنا عندى مرض القلب / هو عنده مرض القلب	آنى عندى مرض قلب / عنده مرض قلب
اسهال دارم	عندى إسهال	
سرما خوردم / مریض شدم	أصبت بالزكام / تمرّضت	آنى منشول / آنى انشَلِت / تَمَرَّضِت
حالم خیلی بد است	صحتى سيئة جدًا	صحتى مِتْدَهْوَرَة کُلّش
سرگیجه دارم	عندى دوّار	عندى دوخه
آمبولانس می خواهم	أريد سيارة الإسعاف.	أريد سيارة إسعاف.
سرم / آمپول / قرص	مغذى / إبرة / حبوب	
دکتر کجاست؟	أين الطبيب؟	وين الطبيب؟
قرص سرماخوردگی / سردرد / مسکن دارید؟	هل لديكم حبوب للزكام / وجع الرأس / مسكّن	عدكم حبوب للنشلة / لوجع الرأس / مسكّن
من کمرم درد می کند	ظهرى يؤلمنى.	ظهرى يوجّعنى
من دیسک کمر دارم	عندى ديسك الظهر	

انتقال معارف انقلادي

امروز باید با آمریکا و صهیونیست مبارزه کنیم	يجب أن نحارب أمريكا وإسرائيل اليوم / لازم نُحاربَ أمريکه وإسرائيل اليوم	
جهاد نعمتی است که خداوند به بندگان لایق خودش عطا می کند	الجهاد نعمة يمنحها الله لعباده اللاتقين	الجهاد نعمة، الله ينطیها للی يستاهل
شهید خوشبخت است و شهادت سعادت	الشهيد سعيد والشهادة سعادة	
داعش محصول مشترک آمریکا و وهابیت است	داعش إنتاج مشترك لأمريكا والوهابية	
وهابیت ثمره ی اسلام آمریکایی و انگلیسی است	الوهابية وليدة الإسلام الأمريكي والإنجليزى	
شیعه ای که از لندن تبلیغ دین کند و از انگلیس کمک بگیرد شیعه نیست	الشيعة الذي يبلغ دينه من لندن ويستلم دعما من انكلترا فليس بشيعة	الشيعة الی يبلغ دينه من لندن ويستلم دَعِم من انكلتره فهذا مو شيعة
نظر شما در مورد قمه زنی چیست؟	ما رأيك حول التطبير؟	شنو رأيك بالتطبير؟
قمه زنی را حضرت آیت الله خامنه ای حرام کردند	سماحة السيد القائد آية الله الخامنئي قد حرم التطبير	سماحة السيد القائد مُحَرَّم التطبير
هم اکنون قمه زنی به ضرر شیعه در دنیا است	التطبير اليوم بضرر التشيع في العالم	هيسه التطبير بضرر التشيع
آیا کسی که با انگلیس و آمریکا مبارزه نمی کند شیعه است؟	هل من لا يحارب انكلترا وأمريكا شيعة حقاً؟	آلی مَحَارِب انكلتره وأمريکه شيعة صُدْگ؟

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
آمریکا، اسرائیل، داعش، وهابیت همگی مخالف جریان حزب الله هستند	أمریکا وإسرائيل وداعش والوهابية كلهم أعداء لحركة حزب الله	أمریکه وإسرائيل وداعش والوهابية كلهم أعداء حزب الله
داعشی ها سنی نیستند یک گروه تروریستی هستند	الدواعش ليسوا بسنة وإنما هم جماعة إرهابية	الدواعش مو سنة، هذوله جماعة إرهابية
شیعه و سنی باید با داعش خبیث وارد جنگ شوند	لابد للشيعة والسنة أن يحاربا الدواعش الخبيثاء	لازم الشيعة والسنة يحاربون الدواعش الملاعین
شیعه و سنی باید با یکدیگر متحد باشند	يجب على الشيعة والسنة أن يتحدّا معا	لازم الشيعة والسنة يتحدون
ایران از اول انقلاب در خط مقاومت هست	ما زالت إيران منذ انتصار الثورة ولحد الآن في خط المقاومة	إيران من بداية الثورة ولحد الآن بخط المقاومة
این عزت کشور ایران بخاطر ولایت فقیه است	إن عزّة إيران بسبب ولاية الفقيه	عزّة ایران هادی بسبب ولاية الفقيه
جوانان عراقی باید از مکتب شیعه دفاع کنند	يجب على الشباب العراقي أن يدافعوا عن التشيع	لازم الشباب العراقيين يدافعون عن التشيع
ایرانیها در کنار مقاومت مردم عراق تا پیروزی کامل هستند	يقف الإيرانيون مع الشعب العراقي في جبهة المقاومة حتى الانتصار النهائي إن شاء الله	الإيرانيين واكفین وره الشعب العراقي بجبهة المقاومة حتى النصر النهائي إن شاء الله

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
ان شاء الله که هرچه زودتر ملت عراق پیروز شود	إن شاء الله ينتصر الشعب العراقي في القريب العاجل	إن شاء الله ينتصر الشعب العراقي في القريب العاجل
مردم عراق باید حول محور مرجعیت آیه الله سیستانی حرکت کنند	يجب على الشعب العراقي أن يتحرك حول محور مرجعية آية الله السيستاني دام ظله	لازم الشعب العراقي يتحرك حول محور مرجعية السيد السيستاني الله يحفظه
خدا همه مجاهدين را حفظ کند	أسأل الله أن يحفظ المجاهدين جميعا	الله يحفظ كل المجاهدين
تاحالا تو جبهه شرکت کردین؟	هل قد ذهبت إلى الجبهة لحد الآن؟	رايح لجبهة ليهسه؟
در کدام مناطق؟	في أي مناطق؟	بيا مناطق؟
خوش به حال شما	هنيئا لك / لكم	نیالك / نیالكم
جهاد در راه خدا دری است از درهای بهشت که خدا به روی بندگان خاص خودش باز می کند	عن أمير المؤمنين (ع): إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِحَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ.	
سردار سلیمانی در کشور ما خیلی محبوب است	الجنرال قاسم سليمان له شعبية كبيرة في بلدنا	قاسم سليمانی إله شعبية كبيرة ببلدنه
ایران از اول انقلاب همه ی مردمان مظلوم دنیا را حمایت می کند	تدافع إيران منذ انتصار الثورة ولحد الآن عن الشعوب المظلومة في العالم	إيران من بداية الثورة اذافع عن مظلومي العالم
خداوند امام خمینی را رحمت کند	رحمة الله على الإمام الخميني / الله يرحم الإمام الخميني	

اسکان

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
می دونی هتل ارزان کجایم تونم پیدا کنم؟	هل تعرف أين أستطيع أن أجد فندقا رخيصا؟	تدري وين أگدر أَلْگي فُنْدُق رِخيص؟
آیا اتاق خالی دارید؟	هل لديكم غرف فارغة؟	عندک / عِدْکُم غرفه فارغه؟
چه امکاناتی دارد؟	ما هي إمكانياتها / تجهيزاتها	شنو امکاناتهه / تجهيزاتّهه
کجایتونم هتل با اتاق خالی پیدا کنم؟	أين أستطيع أن أجد فندقا بغرف فارغة؟	وين أگدر أَلْگي فندق بي عُرف فارغه؟
کی اتاق خالی دارید؟	متي تتوفر لك غرف فارغة؟	شوکتِ تُصيرُ عِنْدَک غرف فارغه؟
اتاق کی آماده می شود؟	متي تحضر الغرفة؟ متي تكون الغرفة جاهزة؟	شوکتِ تحضرِ الغرفة؟
کرایه ی آن شبی چقدر است؟	بكم أجرتها ليليا؟	شَگْد اَجْرَتَهه بَکْل ليلَه؟
خوب است. اتاق را می خواهم	جَيِّدَه. أريد الغرفة	زينه. أريد الغرفة
نه، قیمت آن زیاد است	لا، سعرها غالٍ	لا، سعرهه غالي
ارزان تر ندارید؟/تخفیف نمی دهید؟	ألا توجد لديكم غرف أرخص؟/ ألا تخفض؟	ما عدکم غرف أرخص؟/ مَتَخَفِّض؟
آسانسور هم دارید؟	هل لديكم مَصْعَد؟	مَصْعَدُ هَم عِدْکُم.

د درمرز

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
بفرمایید، این گذر نامه ی من است	تفضل هذا جوازی.	
برای اربعین آمده ام	جئت لزيارة الأربعين.	جیت لزيارة الأربعین.
کی اجازه ی ورود می دهید؟	متی تسمحون لنا بالدخول؟	شوکت تَخْلُونَا نِدْخُلْ؟

جملات محبت آمیز و تعارفی

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
شما عراقی ها درقله های عزت هستید	أنتم العراقيين في قمة العز والكرامة	إنتو العراقيين بقمة العز والكرامة
شما مردمی شجاع و دلیر هستید	أنتم شعب شجاع وبطل	إنتو شعب شجاع وبطل
شما درقله های کرامت هستید		أنتم في قمة الكرامة. / إنتو بقمة الكرامة
کرامت شما در دنیا بی نظیر است	كرمكم ليس له نظير في العالم	كرمكم ما إله نظير بالعالم
خدا پدر و مادرت رو پیامرزه	الله يرحم والديك	
شما افتخار ما هستید	أنتم فخر لنا / أنتم مفخرة لنا	إنتو فخر إله / إنتو مفخرة إله
خدا اجرت بده	مأجور / مأجورين	
خسته نباشی / زنده باشی / نوش جونت	الله يساعدك / حياك الله / هنيئا	
خیلی زحمت کشیدید ممنون	صارت زحمة عليكم، شكرا جزيلا	
شما برادران ما هستید	أنتم إخواننا	إنتو إخوانه
ما ایرانی ها خیلی شما رو دوست داریم	نحن الإيرانيين نحبكم كثيرا	إحنه الإيرانيين هوايه نحبكم
زنده باد عراق و ملت غیور عراق	عاش العراق وعاش شعبة الغيور	عاش العراق وعاش شعبة الغيور
خدا از شما قبول کند	تقبل الله منكم / تقبل الله أعمالكم	
بفرمایین اول شما	تقدم / تقدموا	
اجرتان با امام حسین(ع)	أجرکم علی أبي عبد الله الحسين(ع)	
خوشمزه بود دست شما درد نکنه	كان لذيذا جدا، عاشت يداك	كلش طيب جان عاشت يداك

ضرب المثل های عربی

عاقبت جوینده یا بنده بود	مَنْ طَلَبَ شَيْئاً وَجَدَ وَجَدَ
هر که با حق در افتد ور افتد	مَنْ صَارَعَ الْحَقَّ صَرَعه
یک دست صدا ندارد	الْيَدُ الْوَاحِدَةُ لَا تُصَفِّقُ
گل بی خار خداست	مَنْ طَلَبَ أَخاً بَلَا عَيْبَ بَقِي بَلَا أَخ
چاه مکن بهر کسی اول خودت دوم کسی	مَنْ حَفَرَ بئراً لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا
گنج خواهی در طلب رنجی ببر	مَنْ طَلَبَ الْعُلَى سَهَرَ اللَّيَالِي
هر سخنی جایی و هر نکته مکانی دارد	لِكُلِّ مَقَامٍ مَقَالٌ
حرف حرف میاره	الْكَلَامُ يَجَرُّ الْكَلَامَ
هیچ کس نمی گوید ماست من ترش است	لَا يَمْدَحُ الْعُرُوسَ إِلَّا أَهْلُهَا
دست بالای دست بسیار است	لِكُلِّ فِرْعَوْنَ مُوسَى
زخم زبان از زخم شمشیر بدتر است	كَلِمُ اللَّسَانِ أَنْكِي مِنْ كَلِمِ السِّنَانِ
کار امروز را به فردا میفکن	لَا تُؤَخِّرْ عَمَلَ الْيَوْمِ إِلَى غَدٍ
نو که آمد به بازار کهنه شود دل آزار	لِكُلِّ جَدِيدٍ لَذَّةٌ
آدم خردمند دوبار از یک سوراخ نیش نمی خورد	لَا يَلْدَغُ الْعَاقِلُ مِنْ جُحْرٍ مَرَّتَيْنِ
دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی	عِنْدَ الشَّدَائِدِ تَعْرِفُ الْإِخْوَانُ
کبوتر با کبوتر باز با باز کند همجنس با همجنس پرواز	الطَّيُورُ عَلَى أَشْكَالِهَا تَقَعُ
گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی	الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرْجِ

أظهر من الشمس	آشکارتر از خورشید است
خير الناس من ينفع الناس	بهترین مردم کسی است که به مردم نفعی برساند
بيضة اليوم خير من دجاجة الغد	سیلی نقد به از حلواي نسیه
السكوت أخو الرضا	سکوت علامت رضا است
حبه حبه تصبح قبه	قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود
خير الأمور أوسطها	اندازه نگهدار که اندازه نکوست هم لایق دشمن است و هم لایق دوست
خير البر عاجله	در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست
خير الكلام ما قلّ و دلّ	کم گوی و گزیده گوی چون دُرّ تا ز اندک تو جهان شود پر
خالفاً تُعرف	مخالفت کن تا مشهور شوی
لم يَفْتْ مَنْ لَمْ يَمُتْ	ماهی را هر موقع از آب بگیری تازه است
الفائت لا يُستدرك	آب رفته به جوی نیاید
كالقايض على الماء	آب در هاون کوفتن - باد در قفس کردن
مِنَ الْقَلْبِ إِلَى الْقَلْبِ	دل به دل راه دار
مِنْ كَثْرِهِ مَلَأَ حَيْثُهَا غَرَقَتِ السَّفِينَةُ	آشپز که دو تا شد آش یا شور می شود یا بی نمک
كُلَّ كَلْبٍ بِبَابِهِ نَبَاحٌ	هر سگ به درخانه خویش است دلیر
المرء بخليله	بگو با که ای، تا بگویم که ای - تو اول بگو با کیان زیستی پس آنکه بگویم که کیستی؟
مَنْ يَمْشِي يَرْضَى بِمَا رَكِبَ	کاچی به از هیچی



الغمرات ثمَّ يَنْجَلِينَ	پایان شب سیه سفید است
أَعْطِ الْقَوْسَ بَارِيهَا	کار را باید به کاردان سپرد
لَا تَطْرَحِ الدَّرَّ أَمَامَ الْكَلْبِ	قدر زر زرگر شناسد
مَا لَا يُدْرِكُ كُلَّهُ لَا يُتْرَكُ كُلُّهُ	آب دریا را اگر نتوان کشید - هم به قدر تشنگی باید چشید
الْمَاضِي لَا يُذَكَّرُ	گذشته ها گذشته
يَاكُلْنِي سَبْعٌ وَلَا يَأْكُلْنِي كَلْبٌ	همه را برق می گیرد ما را چراغ نفتی
لَوْ اتَّجَرْتَ بِالْأُكْفَانِ مَا مَاتَ أَحَدٌ	اگر لب دریا بروی خشک می شود
تَرَكَ الْجَوَابَ عَلَى الْجَاهِلِ جَوَابٌ	جواب ابلهان خاموشی است
مَنْ صَارَعَ الْحَقَّ صَرَعه	هر که با حق درافتد ور افتد
يَا طَبِيبُ طِبِّ نَفْسِكَ	تو که لایبی بلدی چرا خوابت نمی برد؟!
الْأَعْمَالُ بِخَوَاتِمِهَا	کار را که کرد؟ آن که تمام کرد
غَدَاؤُهُ مَرْهُونٌ بَعْثَائِهِ	هشتش گروی نه است
الشَّيْبُ كُلُّهُ عَيْبٌ. يَا شَايِبٌ وَ عَايِبٌ.	پیری و هزار عیب
أَكَلْتُمْ تَمْرِي وَ عَصَيْتُمْ أَمْرِي.	نمک خوردی و نمکدان شکستی
الْعُنُقُودُ الْعَالِي حُضْرُمٌ.	دستش به انگور نمی رسد می گوید : ترش است
مَا كُلُّ بَيْضَاءَ شَحْمَةٍ	هر گردی ، گردو نیست
لَيْسَ الْخَبْرُ كَالْمُعَايَنَةِ.	شنیدن کی بود مانند دیدن

اعداد و ایام هفته

اعداد شمارشی

صفر	صِفِر
یک	وَاحِد
دو	إِثْنَان
سه	ثَلَاثَة
چهار	أَرْبَعَة
پنج	خَمْسَة
شش	سِتَّة
هفت	سَبْعَة
هشت	ثَمَانِيَة
نه	تِسْعَة
ده	عَشْرَة

اعداد ترتیبی

اول	(مذكر) أوَّل / أولى (مونث)
دوم	الثَّانِي / الثَّانِيَة
سوم	الثَّالِث / الثَّالِثَة
چهارم	الرَّابِع / الرَّابِعَة
پنجم	الخَامِس / الخَامِسَة
ششم	السَّادِس / السَّادِسَة
هفتم	السَّابِع / السَّابِعَة
هشتم	الثَّامِن / الثَّامِنَة
نهم	التَّاسِع / التَّاسِعَة
دهم	العَاشِر / العَاشِرَة

اعداد شمارشی	
سی	ثلاثون
چهل	أربعون
پنجاه	خمسون
شست	ستون
هفتاد	سبعون
هشتاد	ثمانون
نود	تسعون
صد	مئة

اعداد شمارشی	
یازده	أحدَ عشر / إحدى عشرة
دوازده	إثنی عشر / اثنتا عشرة
سیزده	ثلاثة عشرة
چهارده	أربعة عشرة
پانزده	خمسة عشرة
شانزده	ستة عشرة
هفده	سبعة عشرة
هجده	ثمانية عشرة
نوزده	تسعة عشرة
بیست	عشرون

ایام هفته

شنبه	يَوْمُ السَّبْتِ
یک شنبه	يَوْمُ الْأَحَدِ
دو شنبه	يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ
سه شنبه	يَوْمُ الثَّلَاثَاءِ
چهار شنبه	يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ
پنج شنبه	يَوْمُ الْخَمِيسِ
جمعه	يَوْمُ الْجُمُعَةِ

اعداد ترتیبی

دویست	مِئَتَيْنِ
سی صد	ثَلَاثَ مِئَةٍ
چهار صد	أَرْبَعَةَ مِئَةٍ
پانصد	خَمْسَةَ مِئَةٍ
شش صد	سِتَّةَ مِئَةٍ
هفت صد	سَبْعَةَ مِئَةٍ
هشت صد	ثَمَانِيَةَ مِئَةٍ
نه صد	تِسْعَةَ مِئَةٍ
هزار	أَلْفٌ



عربفا



arabifa.com



utarabic

عزیزتین

امسال شما ملاحظه کردید در اربعین حسینی میلیون‌ها انسان در کنار هم قرار گرفتند؛ خود این حرکت عظیم یک جمعی از مسلمانها - البته مخصوص شیعه نبود، سنی‌ها هم بودند - که در دنیا انعکاس پیدا کرد، تعظیم کردند؛ تجلیل کردند؛ آن را بزرگ‌ترین گردهمایی عالم به حساب آوردند؛ چه کسانی؟ آنهایی که دارند مسائل اسلامی را رصد میکنند.

من همین‌جا مناسب میدانم و لازم میدانم به مناسبت یاد از آن اجتماع عظیم، از دولت عراق، ملت عراق، عشایر عراق که در این آزمون بسیار مهم فداکاری کردند، خدمت کردند، گرم و بزرگواری نشان دادند، تشکر کنم. حادثه‌ی عجیبی بود حادثه‌ی امسال اربعین کربلا. این راه را دشمنان اسلام و دشمنان اهل بیت به خیال خود مسدود کرده بودند. ببینید چه حرکت عظیمی اتفاق افتاد! وقتی حتی جسمها در کنار هم قرار میگیرد، این جور انعکاس پیدا میکند. اگر ما با هم باشیم، کشورهای اسلامی، ملت‌های مسلمان - سنی و شیعه و فرق مختلف تسنن و تشیع - با یکدیگر دلهایشان صاف باشد، نسبت به یکدیگر سوءظن نداشته باشند، سوءنیت نداشته باشند، به یکدیگر اهانت نکنند، ببینید در دنیا چه اتفاقی خواهد افتاد؛ چه عزتی برای اسلام درست خواهد شد! وحدت؛ وحدت.

بزرگوار است
حضرت آیت الله خامنه‌ای

۱۳۹۳/۱۰/۱۹

قال النبی حسین مومنان حسین